

Analysis Language of *Novel Cloudy Years* from the Perspective Sociology of Language

Elyas Nooraei*

Seyed Mohammad Arta**

Abstract

The sociology of language, which examines the relation between social and social classes and the germination of the fusion of linguistics and sociology, is a new interdisciplinary study that has opened up meaningful horizons to linguists. Because language is a fundamental element in the story, among the various literary types, the novel is a suitable platform for sociology of language studies, and the analysis of different aspects of the language of the novel from this perspective is necessary. Therefore, the present study aims to provide a sociological reading of the language of the novels of Ali Ashraf Darvishian's *cloudy years*, which is one of the contemporary, and relationship between the language and social contexts, based on a scientific method. In addition, writers in the final section of the article also refer to the sociology of the author's language in the novel. The method of doing research is descriptive-analytical and data are analyzed using a method of analyzing sociological content. The outcome of the research suggests that the author succeeds in choosing the right language for characters, and that the language of the novel is in cases in keeping with the writer's social orientations

Keywords: Ali Ashraf Darvishian, *Cloudy Years*, Linguistics, Novel, Sociology of Language.

* Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran
(Corresponding Author), nooraei@razi.ac.ir

** PhD in Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran,
mohamadarta@yahoo.com

Date received: 2021/10/25, Date of acceptance: 2022/01/25



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل زبانِ رمان سال‌های ابری از منظر جامعه‌شناسی زبان

الیاس نورایی*

سیدمحمد آرتا**

چکیده

جامعه‌شناسی زبان، که به بررسی ارتباط ساخت‌ها و طبقات اجتماعی با زبان می‌پردازد و از پیوند زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی به‌وجود آمده است، در شمار مطالعات نوین میان‌رشته‌ای قرار دارد. به‌دلیل این‌که زبان عنصری بنیادین در داستان تلقی می‌شود، در میان گونه‌های مختلف ادبی رمان بستر مناسبی برای مطالعات جامعه‌شناسی زبان است و تحلیل جنبه‌های مختلف زبان رمان از این منظر امری بایسته و ضروری است. از این‌رو، نگارندگان در پژوهش حاضر بر آن‌اند تا خوانشی جامعه‌شناسانه از زبان رمان *سال‌های ابری* علی‌اشرف درویشیان ارائه دهند و رابطه زبان این اثر را با بافت‌های مختلف اجتماع براساس روشی نظام‌مند و علمی تحلیل کنند. به‌علاوه، نگارندگان این جستار، در بخش پایانی مقاله، به جامعه‌شناسی زبان نویسنده در رمان نیز نقبی زده‌اند. شیوه اجرای پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوای جامعه‌شناختی بررسی شده‌اند. براین‌د تحقیق گویای آن است که نویسنده رمان *سال‌های ابری* در انتخاب زبان مناسب برای شخصیت‌ها و طبقات مختلف اجتماعی موفق بوده و زبان رمان در موارد فراوانی هم‌سو با گرایش‌های اجتماعی نویسنده است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، رمان، زبان‌شناسی، *سال‌های ابری*، علی‌اشرف درویشیان.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)، nooraeni@razi.ac.ir

** دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، mohamadarta@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

زبان بهترین، کامل‌ترین، و جامع‌ترین وسیله پیام‌رسانی است. به همین دلیل، شناخت چستی، نموده‌ها، و انواع مختلف زبان در طبقات اجتماعی اهمیت فراوانی دارد؛ موضوعی که تا چندی پیش از دید زبان‌شناسان پنهان مانده بود. جامعه‌شناسی زبان به مطالعه تغییر و تحولات زبان و ایجاد گویش‌های طبقاتی، با توجه به عوامل بیرونی و اجتماعی، می‌پردازد. (بررسی زبان در بافت اجتماعی آن موضوع اصلی جامعه‌شناسی زبان است) (مدرسی ۱۳۶۸: ۴).

تردیدی نیست که زبان پایه، اساس، و ماده اولیه ادبیات است و «این زبان است که ادبیات به وسیله آن خود را عرضه می‌کند» (لوئیس ۱۳۷۱: ۲۷). زبان بیش‌تر از هر نوع ادبی دیگری در رمان تجلی می‌یابد و در تکوین این قالب ادبی، به‌عنوان واقع‌گراترین گونه ادبی، جایگاه و نقش پُررنگی دارد. «رمان بیش از هر چیزی یک پدیده زبانی است که اصالت و هویت آن با چهارچوب زبانی‌اش پیوند دارد. رمان‌نویس دنیای متکثری از لحن‌ها، صداها، و جهان‌بینی‌های متنوع را در ساختار زبان رمان، گفت‌وگوی شخصیت‌ها، و سخن‌راوی به‌کار می‌برد و نظام می‌بخشد» (اکبری‌زاده و دیگران ۱۳۹۴: ۲۵). اهمیت عنصر زبان در رمان تا آن‌جاست که میخائیل باختین (M. Bakhtin)، منتقد سرشناس روس‌تبار، بین سویه زبانی رمان و سویه اجتماعی آن پیوندی معنادار برقرار کرد و به ارزیابی زبان رمان از جنبه‌های فرازبانی و اجتماعی پرداخت. وی بر این عقیده است که «نویسنده تنوع زبانی و گویشی را در لایه‌ها و ساخت‌های اجتماعی حاضر در رمان به‌کار می‌گیرد و، درنهایت، مجموعه‌ای چندزبانی می‌سازد» (احمدی ۱۳۸۰: ۲۰۳).

جامعه‌شناسی زبان در روند تسری و نفوذ خود به جنبه‌های فرهنگی و هنری به عرصه ادبیات و متون ادبی نیز راه یافته و در میان گونه‌های مختلف ادبی عنایت ویژه‌ای به رمان داشته است، زیرا در میان قالب‌های ادبی رمان بیش از هر نوع ادبی دیگر تحت‌تأثیر اوضاع و شرایط مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و ... قرار دارد. در واقع، جامعه‌شناسی زبان رمان به نحوه شکل‌گیری گویش‌های طبقاتی و لهجه‌های مختلف در بافت‌ها و لایه‌های اجتماعی رمان و تأثیرگذاری جایگاه طبقاتی افراد و قشرهای گوناگون جامعه در خلق زبان‌گونه‌های موجود در متن ادبی می‌پردازد.

این پژوهش به نقش زبان در ارائه قرائن و نشانه‌هایی درباره متکلم (شخصیت‌ها) مانند طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات، جنسیت، مذهب، و سن تأکید و تمرکز دارد. هم‌چنین، جایگاه طبقاتی نویسنده در جامعه و خط فکری و گرایش‌های اجتماعی وی از طریق سبک زبانی به‌کاررفته در رمان نکته دیگری است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است.

۱.۱ پیشینه بحث

بررسی و جست‌وجوی نگارندگان در پایگاه‌ها و منابع اطلاعاتی نشان داد که چند پژوهش نزدیک به پژوهش حاضر در قالب مقاله انجام شده است که از آن میان می‌توان به رهبر و دیگران (۱۳۹۱)، نوشین فر (۱۳۷۴)، هدایت (۱۳۸۴)، محمودی بختیاری و دیگران (۱۳۹۰)، حسنی رنجبر و دیگران (۱۳۹۱)، بهمنی مطلق و دیگران (۱۳۹۳)، و رضاپور (۱۳۹۶) اشاره کرد. تفرجی یگانه (۱۳۹۵) و بیچرانلو و دیگران (۱۳۹۶) نیز رابطه زبان و جنسیت را در سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی بررسی کرده‌اند. طباطبایی (۱۳۷۶) و مدرسی (۱۳۶۸) نیز با تألیفات خود در این زمینه گام مفیدی برداشته‌اند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در زمینه جامعه‌شناسی زبان رمان‌های معاصر پژوهش جامعی انجام نگرفته است و مقالات نام‌برده نیز فقط به بحث درباره رابطه زبان و جنسیت معطوف شده‌اند. فقر پژوهشی موجود در این حوزه موجب شد تا نگارندگان مقاله حاضر برای رفع این خلأ پژوهشی به تحلیل زبان در طبقات مختلف جامعه و هم‌چنین رابطه موقعیت اجتماعی نویسنده و زبان در رمان سال‌های ابری پردازند.

۲. جامعه‌شناسی زبان در رمان سال‌های ابری

رمان سال‌های ابری نیز در ردیف رمان‌های اجتماعی قرار دارد. بارزترین مشخصه این اثر ترسیم چهره پلشت فقر، توصیف محرومیت‌ها، و زندگی طبقه کارگری و فرودست جامعه است و طبقه محروم جامعه بیش از سایر قشرهای اجتماعی در این رمان نقش آفرینی کرده و ذهن نویسنده را به خود معطوف داشته‌اند. از این رو، کار پژوهش‌گری که در حوزه جامعه‌شناسی زبان رمان قلم می‌زند کشف و تحلیل این بستگی‌ها و ارتباطات میان زبان رمان و قشرهای فرودست در جهان واقع‌گرای داستان است.

۱.۲ جنسیت

یکی از نکات مهمی که نویسنده باید به آن توجه داشته باشد تناسب زبان با جنسیت شخصیت‌های داستانی است؛ بدین معنی که «نویسندگان رمان برای آن‌که بتوانند از زبانی متناسب با شخصیت‌های خود استفاده کنند باید با ویژگی‌های خاص زبان زنان و مردان آشنا باشند و برای زنان از زبانی زنانه و برای مردان از زبانی مردانه بهره ببرند» (بهمنی و

باقری (۱۳۹۱: ۴۵). گفتار زنان در هر جامعه‌ی زبانی شاخصه‌هایی دارد که آن را از گفتار مردان متمایز می‌کند. گاهی این تفاوت‌ها به سطح واژگان مربوط می‌شود، گاهی جنبه‌ی آوایی دارد و به تلفظ کلمات یا آهنگ جملات مربوط می‌شود، و گاهی نیز در ساختار دستوری و نحوی زبان تجلی می‌یابد. در پاره‌ای موارد نیز ترکیبی از این تفاوت‌ها گفتار زنان و مردان را از یک‌دیگر متمایز می‌کند (باطنی ۱۳۸۱: ۳۸).

مردان واژه‌هایی مختص به خود دارند که زنان اگرچه مفهوم آن‌ها را درک می‌کنند، هرگز آن‌ها را به‌زبان نمی‌آورند. از طرف دیگر، زنان نیز تکیه‌کلام‌ها و اصطلاحات خاص خود را دارند که مردان هرگز آن‌ها را به‌کار نمی‌برند، زیرا در صورت استفاده از آن‌ها تمسخر می‌شوند (ترادگیل ۱۳۷۶: ۱۰۵). در زبان فارسی این تفاوت‌ها کم است و بیش‌تر به کاربرد واژه‌ها مربوط می‌شود. از باب نمونه، اصطلاحاتی مانند «خدا مرگم بده»، «خاک عالم»، و «حیوانکی» خاص زنان است و زنانه تلقی می‌شود و مردان جامعه از کاربرد آن‌ها پرهیز می‌کنند. از طرف دیگر، تعابیر و اصطلاحاتی وجود دارد که خاص مردان است و کاربرد آن توسط زنان در جامعه آنان را زمخت و مردانه جلوه می‌دهد، مانند «چاکرم» و «سام‌علیک».

انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه رفتار اجتماعی آن‌ها یک‌سان نیست. چون در بیش‌تر جوامع از زنان انتظار رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز با مردان تفاوت‌هایی دارد. به‌عبارت‌دیگر، «فشارهای اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه‌ای بر روی زنان بیش‌تر از مردان است و همین امر زنان را نسبت به رفتار زبانی خود حساس‌تر و محافظه‌کارتر می‌کند» (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۶۹). یکی از مواردی که کاربرد آن توسط زنان در جامعه ممنوعیت دارد و استفاده از آن موجب سرافکنندگی و تنزل پایگاه اجتماعی آنان می‌شود به‌کاربردن واژه‌ها یا عباراتی است که تابو محسوب می‌شوند. تابو رفتاری حرام است و غیراخلاقی و ناصواب تلقی می‌شود یا «ممنوعیت و پرهیز از رفتاری است که برای اعضای جامعه زیان‌بار است، چراکه آن رفتار موجب دغدغه‌خاطر و شرمندگی آن‌ها خواهد شد. درواقع، تابو یک محدودیت نزاکتی بی‌نهایت قوی است» (وارداف ۱۳۹۳: ۲۴۹). تابو در زبان مربوط به اموری است که ذکر نمی‌شوند و به‌ویژه با واژه‌ها و ترکیباتی که به‌کار نمی‌روند سروکار دارد. کاربرد دشواژه‌ها، کلمات، و عبارات رکیک و دور از ادب از مصادیق تابو است. «دشواژه‌ها صورت‌های زبانی هستند که ذکر آن‌ها از نظر اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی ناشایست تلقی می‌شود. برخی از این واژه‌ها فحش و ناسزا هستند که خود نشان‌دهنده‌ی بار منفی فرهنگی آن‌هاست» (ارباب ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۹).

نکته‌ای که در رمان سال‌های ابری وجود دارد و می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی زبان حائز اهمیت باشد بسامد بالای استفاده از دشواژه‌ها توسط شخصیت‌های رمان است. کاربرد دشواژه‌ها و عبارات رکیک در این رمان گستره وسیعی دارد و خواننده با میزان فراوانی از این‌گونه واژه‌ها در متن روبه‌رو می‌شود، اما جالب این‌جاست که می‌توان گفت در سراسر رمان شخصیت‌های زن از این‌گونه واژه‌ها به‌کار نبرده‌اند و برعکس اغلب این دشواژه‌ها در زبان شخصیت‌های مرد دیده می‌شود. از باب نمونه، در صفحات ۷۱، ۸۲، ۱۱۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۳ و ۳۹۹ نمونه‌هایی از این دشواژه‌ها آمده که همگی در زبان شخصیت‌های مرد، مانند خان‌بابا، عمو الفت، لطیف، مردان، عمو چاوشلی، و سرخان، دیده می‌شود.

نکته جالب‌توجه دیگر اثر ثانویه‌ای است که تابو می‌تواند بر روی خود زبان داشته باشد. دلیل اکراه شدید افراد در به‌زبان آوردن واژه‌های تابو یا واژه‌هایی از این قبیل، در برخی شرایط واژه‌های تابو بر اثر عدم استفاده در زبان متروک و منسوخ و واژه‌های جدید دیگری جانشین آن‌ها می‌شوند که به همان مفهوم تابو اشاره دارند، اما تابو تلقی نمی‌شوند. از باب نمونه، به‌کاربردن واژه «جن» نوعی تابو به‌شمار می‌آید، زیرا در فرهنگ عامه اعتقاد بر این بود که اگر کسی این واژه را به‌کار ببرد، موجب احضار و بیدار شدن اجنه می‌شود. به همین دلیل، به‌جای آن واژه‌هایی نظیر «ازمابهران»، «عزیزان»، «مردآزما»، و «نام‌نبر» رواج یافته است تا از احضار ناخواسته اجنه، که ناشی از ذکر نام آن‌هاست، جلوگیری شود. اصطلاح «ازمابهران»، به‌جای «جن»، در رمان سال‌های ابری به‌کار رفته است:

- بی‌بی می‌گوید: شاید آن گربه از مابهران بود. آن وقت می‌دانی چه به‌سرمان می‌آمد (درویشیان ۱۳۹۰: ۴۷).

جانشینی واژه‌های دیگر به‌جای واژه تابو در مورد برخی بیماری‌های سخت نیز در زبان رمان مشاهده‌شدنی است. از باب نمونه، کاربرد اصطلاح «دردباریکه»، به‌جای «سِل»، در جمله زیر دیده می‌شود:

- شاید مریض باشد و موریزه داشته باشد. می‌خواهی دردباریکه بگیریم؟ (همان: ۴۵).

زنان، به‌دلیل شرم و حیای ذاتی که در سرشت زنانه آنان وجود دارد، از کاربرد برخی واژه‌ها شرمگین می‌شوند. از این‌رو، به‌جای آن‌ها، واژه‌های دیگری را که همان معنا را به مخاطب منتقل می‌کند به‌کار می‌برند. از باب نمونه، در برخی خرده‌فرهنگ‌ها یا در برخی اقوام ایرانی، زنان از به‌کاربردن واژه «شوهرم» برای همسران خود پرهیز می‌کنند و در

گفت‌وگوهای روزمره، به جای آن، ترکیب «بابای بچه‌ها» را به کار می‌برند. استفاده از این ترکیب، به جای واژه «شوهرم»، در رمان دیده می‌شود:

- بچه‌های تو چرا درس نخواندند؟

والاه خدا بگم چه بکند این بابای بچه‌ها را! نگذاشت بچه‌ها درس بخوانند. هی می‌گفت باید کار یاد بگیرند (همان: ۸۲).

یکی دیگر از واژه‌هایی که زنان، به خصوص زنان سنتی، به دلیل رعایت ادب یا شرم و حیا از کاربرد آن امتناع می‌کنند، واژه «زایمان» یا فارغ‌شدن زن باردار است. برای این واژه در فرهنگ و زبان ایرانی اصطلاحات دیگری مانند «درخشت‌افتادن» را به کار می‌برند. از این اصطلاح نیز در رمان استفاده شده است:

- دایی سلیم روی پشت‌بام یا قریب‌الفرج می‌خواند. آفتاب‌نزده تو خشت افتادی (همان: ۲۰).

در برخی فعالیت‌های اجتماعی زنان و در برخی دیگر مردان نقش فعال‌تری دارند. این امر سبب می‌شود تا شاهد تفاوت‌هایی در واژه‌های به‌کاررفته از زبان زنان و مردان باشیم. ازباب نمونه، زنان در فعالیت‌ها و مشاغلی مانند خیاطی، بافندگی، آش‌پزی، آرایش‌گری، و نظافت منزل حضور پُررنگ‌تری دارند. به همین دلیل، بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به این فعالیت‌ها و حرفه‌ها مختص زنان است و زنانه به نظر می‌رسد. ازسوی دیگر، در زمینه‌هایی مانند امور نظامی، مکانیکی، فلزکاری، کار در معدن، و به‌طور کلی کارهای سنگین مردها فعال‌ترند و ازاین‌رو تعابیر و اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها مردانه‌اند؛ به‌دلیل این‌که زنان حاضر در رمان *سال‌های ابری* از زنان سنتی، بی‌سواد یا کم‌سواد، و از طبقه پایین جامعه به‌شمار می‌روند و اغلب خانه‌دارند و به امور نظافت منزل، آش‌پزی، و رسیدگی به فرزندان اشتغال دارند، اصطلاحات مربوط به زنان در این رمان بسیار زیاد است. به‌دلیل این‌که بی‌بی در خانه به کار خیاطی مشغول است و از این راه هزینه‌های زندگی خود و فرزندان را تأمین می‌کند، در جای‌جای رمان واژه‌های زنانه‌ای مانند چرخ خیاطی، نخ و سوزن، و دوختن و شکافتن به‌وفور دیده می‌شود. برخی افعال نیز اگرچه مختص زنان نیست، بسامد استفاده از آن‌ها توسط زنان بیش‌تر است و در جامعه زبانی زنان رمان بسیار پُرترکرار است؛ افعالی مانند گریه‌کردن و زارزدن (همان: ۵۴)، غم‌وغصه‌خوردن (همان: ۱۱۲)،

جیغ کشیدن (همان: ۵۵)، شیون و واویلاکردن (همان: ۵۵)، بوسیدن و نوازش کردن (همان: ۲۰، ۲۹، ۴۹)، و ناله کردن (همان: ۲۹).

افعال و واژه‌های دال بر دعا (افعال دعایی) نیز توسط زنان بیش‌تر از مردان به‌کار رفته است. از دیدگاه جامعه‌شناختی زبان، علت این امر ضعف و اضطراب زنان در حل مصائب، مشکلات، و گرفتاری‌های فردی، خانوادگی، و اجتماعی است. بی‌بی، که شخصیت اصلی زن داستان است، برای این‌که پسرهایش کار پیدا کنند نذر می‌کند:

- سه تا سفره حضرت رقیه نذر کرده‌ام تا سرکارگر بچه‌ها را در کارخانه قبول کند (همان: ۸۲).

در این رمان، زنان برخی واژه‌های محبت‌آمیز، مانند «عزیزم»، «فدایت شوم»، «قربانت بروم»، «دردت به جانم»، و «فرزندم»، را بیش از مردان به‌کار می‌برند. البته، چون نویسنده این رمان گُردزبان و اهل کرمانشاه است و جامعه و بافت اجتماعی مردمان گُرد را در رمان منعکس کرده است، این واژه‌ها در بسیاری موارد یا با زبان کردی بیان شده‌اند یا با لهجه فارسی کرمانشاهی. ازباب نمونه، در جملات زیر واژه «عزیزم» به‌صورت «عزیزکم» و واژه «فرزندم» به‌صورت «روگه» به‌کار رفته است:

- سلام بی‌بی جان.

سلام عزیزکم. بدو بیا بنشین کنارم (همان: ۲۱).

- مادر بزرگ دست به گردن دایی حامد می‌اندازد. او را می‌بوسد: ای روله‌ام، پاره جیگرم (همان: ۴۹).

افعال و واژگانی که مفهوم اطاعت و انقیاد از آن‌ها برداشت می‌شود نیز توسط زنان بیش از مردان کاربرد دارد و این نکته توجهی جامعه‌شناسانه دارد. سبک‌های گفتاری با جایگاه و پایگاه اجتماعی افراد ارتباط نزدیکی دارد. افراد دارای جایگاه پایین اغلب از سبک‌های گفتاری ضعیف استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که افراد دارای جایگاه بالای اجتماعی به‌ندرت صورت‌های ضعیف زبانی را به‌کار می‌برند. باتوجه‌به این‌که در جامعه مردسالار ایران میان زنان و مردان تفاوت قدرت وجود دارد، همین تفاوت قدرت موجب شده تا جامعه مردانی حاکم، سلطه‌گر، و دارای جایگاه اجتماعی بالا و زنانی تابع و مطیع و در مقام پایین اجتماعی در خود بپرورد. «زنان، از آن‌جاکه در اجتماع پایگاهی پایین‌تر از مردان دارند،

صورت‌های ضعیف زبانی را به‌کار می‌برند و، برعکس، صورت‌های زبانی مردانه قاطعانه و قدرت‌مندانه است» (بهمنی و مروی ۱۳۹۳: ۲۱). با توجه به توضیحات یادشده، جامعه زبانی زنان در *رمان سال‌های ابری* صورت‌های زبانی را، که مفهوم اطاعت و انقیاد دارند، بیش‌تر از مردان به‌کار برده‌اند؛ واژه‌هایی مانند «چشم» و «حتماً» (بنگرید به درویشیان ۱۳۷۹: ۸۴). رمان *سال‌های ابری* گنجینه بی‌کرانی از ضرب‌المثل‌هاست که تأمل در آن‌ها می‌تواند در قلمرو مطالعات مردم‌شناسی و درک صحیح فرهنگ عامه افق روشنی پیش روی مخاطب قرار دهد و به نتایج درخشانی منجر شود.

در رمان چهارجلدی *سال‌های ابری* نزدیک به ششصد ضرب‌المثل به‌کار رفته است. پس از بررسی ضرب‌المثل‌های موجود در رمان *سال‌های ابری*، نگارندگان دریافتند که ۱۸۲ ضرب‌المثل از زبان شخصیت‌های زن و ۱۱۸ ضرب‌المثل از زبان شخصیت‌های مرد بیان شده‌اند. دلیل این‌که زنان، در مقایسه با مردان، در گفت‌وگوهای روزمره خویش با بسامد بیش‌تری از ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند این است که ذهن زنان عامیانه‌تر و ذهن مردان انتزاعی‌تر و استدلالی‌تر است. هرچه جامعه و اندیشه حاکم بر جامعه از سوی سنت‌ها به‌سوی تجدد و مدنیت سیر می‌کند و منطقی‌تر و استدلالی‌تر می‌شود، از کاربرد ضرب‌المثل‌ها کاسته می‌شود. در جامعه پیش‌رفته و مدرن، افراد معمولاً برای تأیید یا نفی موضوعی از ضرب‌المثل‌ها کم‌تر استفاده می‌کنند و، در عوض، برای اثبات یا رد مسئله‌ای، بیش‌تر از استدلال‌های منطقی بهره می‌برند. به‌نظر می‌رسد، جامعه و ذهن سنتی بستر مناسب‌تری برای کاربرد ضرب‌المثل‌ها محسوب می‌شود و ذهن پیش‌رفته و تکامل‌یافته تمایل کم‌تری به استفاده از ضرب‌المثل‌ها دارد. به همین دلیل است که میزان کاربرد ضرب‌المثل‌ها، در زنان و افراد سال‌خورده، بسیار بیش‌تر از مردان، جوانان، و نسل‌های اخیر است.

۲.۲ تحصیلات

در سطح یک جامعه زبانی، تفاوت‌های زبانی، که به‌طور محسوس و روشنی تجلی می‌یابند، با سطح تحصیلات افراد پیوند و ارتباط نزدیکی دارد. تحصیلات موجب می‌شود دایره واژگانی فرد گسترده شود و شخص تحصیل‌کرده در گفت‌وگوهای روزمره خویش برای بیان مقصود از امکانات واژگانی بیش‌تری بهره‌مند باشد. به‌دیگرسخن،

در یک جامعه زبانی، هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد بخش گسترده‌تری از پیوستار سبکی یا گنجینه زبانی در اختیار آن‌ها قرار دارد و، برعکس، گروه‌های تحصیلی پایین دارای پیوستار سبکی بسته‌ای هستند و امکانات زبانی محدودتری در اختیار دارند (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۹۷).

بین زبان افراد تحصیل کرده و بی‌سواد یا کم‌سواد تفاوت‌های واژگانی، آوایی، و دستوری بسیار واضح است و این عوامل گونه زبانی این دو گروه را از یک‌دیگر متفاوت می‌کند. در سطح واژگان، احتمال رخ دادن پدیده قلب یا جابه‌جایی دو واج مجاور، که موجب تغییر واژه از حالت اصلی و صحیح خویش می‌شود، در گفتار افراد تحصیل کرده تقریباً غیرممکن است و عمل نمی‌کند، مگر در موارد محدودی که بر اثر اشتباه لفظی وقوع یابد. اما در گفتار افراد بی‌سواد تکرار و عملکرد قابل ملاحظه‌ای دارد و اساساً یکی از ویژگی‌های گفتاری افراد عامی تلقی می‌شود. کاربرد واژه‌هایی مانند «برف»، «تاکسی»، «عکس»، و «مشق» به صورت «بفر»، «تاسکی»، «عسک»، و «مقش» در محاوره‌های افراد کم‌سواد به وفور شنیده می‌شود. کاربرد اشتباه واژه‌هایی نیز که از نظر تلفظ شبیه یک‌دیگرند در گفت‌وگوهای افراد بی‌سواد بسیار پُر تکرار است. بارها شنیده‌ایم که افراد عامی واژه «تصفیه» را، به جای «تسویه»، «رایانه» را به جای «پارانه»، و «اورژانس» را به جای «آژانس» به کار برده‌اند. هم‌چنین، اشتباه تلفظ کردن یکی از واج‌های کلمه، که بیش‌تر در واج پایانی رخ می‌دهد، یکی دیگر از اشتباهات زبانی رایج در گفتار افراد بی‌سواد است. این قشر از جامعه واژه‌هایی مانند «انجیر» و «سبد» را به صورت «انجیل» و «سبت» تلفظ می‌کنند.

در جامعه زبانی رمان سال‌های ابری از این دست اشتباه‌ها در میان گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان، که اغلب کم‌سواد یا بی‌سواد و به طبقات پایین جامعه متعلق‌اند، به میزان فراوانی دیده می‌شود؛ از باب نمونه، واژه‌هایی مانند «گالن»، «چراغ گردسوز»، «مرهم»، «انگلیس»، «سینما»، و «اقلاً» به اشتباه و به صورت «گالین» (درویشیان ۱۳۹۰: ۳۲۱)، «چراغ گرسوز» (همان: ۳۰۱)، «ملهم» (همان: ۳۱)، «انگریز»، «سیم‌نما» (همان: ۴۱)، و «اقل‌کم» (همان: ۷۲) به کار رفته‌اند.

یکی از تفاوت‌های بارز در زبان تحصیل‌کردگان و بی‌سوادان تمایز در سطح نحوی کلام است. پیکره نحوی زبان فارسی الگوها و معیارهای ثابت و مشخصی دارد که جمله‌سازی و درنهایت زبان برپایه این الگوها شکل می‌گیرد. مطالعه نحو مورد استفاده افراد بی‌سواد و باسواد نشان می‌دهد افراد تحصیل کرده، به لحاظ نحوی، تمایل فراوانی به استفاده از الگوهای

زبان معیار دارند و در گفتار آنان اغتشاشات نحوی کم‌تری را می‌بینیم، اما افراد با تحصیلات کم، معمولاً، در گفت‌وگوهای خود از الگوهای نحوی زبان معیار فاصله می‌گیرند و به همین دلیل در ساختار نحوی زبان افراد عامی اغتشاش نحوی و جابه‌جایی ارکان جمله به‌وفور دیده می‌شود.

تأمل و بررسی آماری ساختار نحوی زبان مورد استفاده شخصیت‌های تحصیل کرده و شخصیت‌های بی‌سواد رمان سال‌های ابری همین مطلب را تأیید می‌کند و تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. در این رمان، بیش‌تر شخصیت‌ها بی‌سواد یا کم‌سوادند و در شمار افراد عامی جامعه قرار دارند. در این رمان، شریف و آقامرتضی نماینده قشر تحصیل کرده جامعه تلقی می‌شوند. بررسی ساختار نحوی گفت‌وگوهای این دو شخصیت نشان می‌دهد زبان آن‌ها از نظر نحوی مطابق با الگوهای ثابت دستوری است و در محور هم‌نشینی به‌هم‌ریختگی خاصی ندارد، مگر در موارد اندک که آن را هم باید به حساب زبان محاوره گذاشت. نویسنده رمان در بیش‌تر موارد تلاش کرده زبان این دو شخصیت، به‌ویژه زبان شریف، را به معیارهای نحوی زبان فارسی نزدیک و از اغتشاشات زبانی عاری کند. زبان این دو شخصیت به‌لحاظ نحوی دستورمند و از لحاظ کاربرد واژگانی بسیار سخته و سنجیده است و همین امر زبان آن‌ها را از زبان دیگر شخصیت‌های رمان متمایز می‌کند. در زبان دیگر شخصیت‌های رمان جابه‌جایی ارکان نحوی کلام، حذف اشتباه افعال، استفاده‌های اشتباه از افعال وصفی، و نمونه‌هایی از این دست به میزان فراوانی دیده می‌شود. می‌توان گفت ساختار صحیح نحوی زبان افراد تحصیل کرده به ذهن علمی و درسی آنان و جملات به‌هم‌ریخته افراد کم‌سواد به ذهن عامی و غیردرسی این افراد ارتباط دارد.

در میزان کاربرد ضرب‌المثل‌ها نیز در زبان افراد تحصیل کرده رمان (شریف و آقامرتضی) و افراد بی‌سواد تفاوتی دیده می‌شود. مطالعه گفت‌وگوهای دو شخصیت روشن‌فکر رمان مشخص کرد که این دو شخصیت کم‌تر از دیگر شخصیت‌های رمان از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، کاربرد ضرب‌المثل‌ها ارتباط نزدیکی با ذهن عامی افراد دارد. افراد تحصیل کرده اگرچه دایره واژگانی بیش‌تری دارند و بر زبان و جنبه‌های مختلف آن تسلط بالایی دارند، ذهن استدلالی و علمی آنان گرایش چندانی به استفاده از ضرب‌المثل‌ها ندارد.

۳.۲ سن

می‌توان سن را نیز هم‌چون جنسیت و تحصیلات از عواملی دانست که موجب پیدایش تنوعات و گوناگونی‌های زبانی در یک جامعه می‌شود و براساس سن افراد می‌توان بسیاری از شاخصه‌های زبانی آنان را توضیح داد و توجیه کرد. «معمولاً، متغیرهای زبانی با سن گویندگان، به‌عنوان یک عامل اجتماعی، هم‌بستگی نشان می‌دهد» (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۸۵). می‌توان با طبقه‌بندی گروه‌های مختلف سنی در جامعه و مطالعهٔ زبان هر یک از این گروه‌ها به تفاوت‌های آشکار زبان آن‌ها پی برد؛ بدین معنی که اعضای یک جامعهٔ زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی از جملهٔ آن‌هاست. مثلاً، در دوران اخیر، در زبان نسل جوان شاخصه‌های خاصی دیده می‌شود که در زبان گروه‌های سنی دیگر یا کاربردی ندارد یا تکرار آن کم است. کاربرد واژگان خاص، که پیش‌تر در زبان سابقه نداشته و در زبان گروه‌های سنی دیگر (مثلاً بزرگسالان) دیده نمی‌شود، از این شاخصه‌ها محسوب می‌شود. از باب نمونه، بسیاری از جوانان، به‌جای واژه‌هایی مانند «آشکار»، «واضح»، و «پیدا»، واژهٔ «تابلو» را به‌کار می‌برند که در زبان معیار فارسی بار معنایی دیگری داشته و دارد. واژه‌های مانند «گیردادن»، «خَفَن»، و «میخ‌شدن» نیز از این نوع واژه‌ها محسوب می‌شوند.

رمان سال‌های ابری سرگذشت شخصیت اول داستان، یعنی «شریف داوریشه»، از دوران کودکی تا میان‌سالی است. توجه به زبان این شخصیت و تعمق در مشخصه‌های زبانی او در دوره‌های مختلف سنی دلالت بر تغییرات و تفاوت‌های زبانی بر اثر تغییرات سنی دارد. با مطالعهٔ زبان شریف در جلد اول رمان، که دوران کودکی او را روایت می‌کند، با جملات پرسشی فراوانی در گفت‌وگوهای وی و سایر شخصیت‌های کم‌سن‌وسال رمان مواجه می‌شویم. به‌عبارت‌دیگر، در زبان شریف، در دوران کودکی، بسامد استفاده از جملات پرسشی بسیار بالاست. تکرار جملات پرسشی را می‌توان با ذهن ابتدایی کودکان و افراد کم‌سن‌وسال مرتبط دانست، چون کودکان دربارهٔ بسیاری از پدیده‌های طبیعی و اجتماعی اطراف خویش به شناخت لازم دست نیافته‌اند، برای کسب شناخت و درک پدیده‌ها، پیوسته از اطرافیان خود دربارهٔ مسائل مختلف سؤال می‌کنند. شریف نیز در دوران کودکی، با ذهن کنجکاو و پرسش‌گر خود، دائم در پی کسب شناخت و آگاهی دربارهٔ چرایی پدیده‌ها و اتفاقات اطراف خویش است. به همین دلیل، به‌دنبال یافتن علت بسیاری از پدیده‌ها، پیوسته از بزرگ‌ترهای خود دربارهٔ مسائل مختلف سؤال می‌کند. این ویژگی در

جلدهای سوم و چهارم رمان، که دوران جوانی و میان‌سالی شریف را روایت می‌کند، به‌شکل معناداری تقلیل می‌یابد و در زبان این شخصیت در دوران بزرگ‌سالی دیگر شاهد استفاده فراوان جملات پرسشی با بسامد بالا نیستیم.

نکته دیگری که در زبان شریف در دوران کودکی باید به آن اشاره کنیم کاربرد جملاتی است که مفهوم «درخواست»، «خواهش»، «اطاعت»، و «انقیاد» را با خود به‌همراه دارند. به‌دلیل این‌که آدمی در دوران خردسالی به استقلال شخصیتی و زیستی نرسیده است و پیوسته خود را وابسته به اطرافیان می‌داند، این وابستگی موجب می‌شود تا برای رفع بسیاری از نیازهای اولیه خود یا از دیگران درخواست کمک کند یا تابع آنان باشد. شخص در این دوران، حتی در ابتدایی‌ترین اعمال روزمره خود، مانند غذاخوردن و لباس پوشیدن، نیازمند یاری دیگران است. همین نکته زیستی موجب شده تا زبان شریف در دوران خردسالی از مفاهیم درخواست، خواهش، اطاعت، و انقیاد سرشار باشد. این مفاهیم در زبان دوران میان‌سالی شریف جای خود را به جملات صریح و آمرانه می‌دهد.

۴.۲ شغل

گذشته از عواملی که درباره آن سخن گفتیم، عوامل دیگری در پیدایش تنوعات زبانی در جامعه دخالت دارند که شغل و حرفه یکی از آنهاست. «زبان‌شناسان زبان‌گونه‌هایی را که با مشاغل، تخصص‌ها، و موضوعات مربوط است ویژه‌زبان (register) نامیده‌اند. برای مثال، ویژه‌زبان علم حقوق با ویژه‌زبان علم طب متفاوت است. معمولاً، ویژه‌زبان‌ها با استفاده از واژگان خاصی از یک‌دیگر متمایز می‌شوند و تفاوت آن‌ها در سطح واژگانی است» (ترادگیل ۱۳۷۶: ۱۳۲). شغل فرد در جامعه باعث می‌شود که زبان او، به‌ویژه در سطح واژه‌ها، از دیگر گونه‌های زبانی جامعه اندکی متمایز شود. هر حرفه‌ای، بنابر وضعیت خود، مفاهیم، روش‌ها، ابزار، و حتی فضای خاص خود را دارد. همین روش‌ها و ابزارها واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی را در محدوده آن حرفه ایجاد می‌کنند که کاربرد این واژه‌ها در سخنان روزمره موجب تمایز زبانی صاحبان آن شغل یا حرفه از دیگر افراد و قشرهای جامعه می‌شود. ازباب نمونه، چون سهراب سپهری، شاعر برجسته معاصر، علاوه بر هنر شاعری، به هنر نقاشی نیز اشتغال داشت، می‌توان حجم وسیعی از کاربرد رنگ‌ها را در شعرش مشاهده کرد.

ساختار اجتماعی رمان سال‌های ابری ساختاری سنتی است و نویسنده بیش‌تر بر بافت سنتی جامعه متمرکز شده است. شخصیت‌های رمان اغلب افرادی هستند که به‌دلیل بی‌سوادی و نداشتن حرفه‌ای فنی و تخصصی به شغل‌های اجدادی و سنتی خویش، مانند دام‌داری و کشاورزی، اشتغال داشته‌اند. رمان، به‌لحاظ مکان و زمان، جامعه کرمانشاه را در دوران حکومت پهلوی دوم نشان می‌دهد. چون کرمانشاه در آن دوران هنوز به شهری صنعتی تبدیل نشده بود و بافتی سنتی داشت، مردم این شهر و این اقلیم جغرافیایی به شغل‌های آبا و اجدادی خود، یعنی دام‌داری و کشاورزی، مشغول بودند. از این‌رو، واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به این دو شغل در زبان اغلب شخصیت‌های رمان منعکس شده است. بازتاب اصطلاحات حوزه دام‌داری و کشاورزی بیش‌تر از هر جا در ضرب‌المثل‌ها دیده می‌شود. تجلی واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دام‌داری و کشاورزی در ضرب‌المثل‌ها، به‌عنوان پدیده برجسته زبانی که در فرهنگ عامه و لایه‌های اجتماعی ریشه دارد، می‌تواند دستاوردهای درخشانی در مباحث جامعه‌شناسی زبان به‌هم‌راه داشته باشد. پیش‌تر گفتیم که حدود ششصد ضرب‌المثل در این رمان چهارجلدی به‌کار رفته است. با مطالعه آماری این ضرب‌المثل‌ها، به این نتیجه رسیدیم که نزدیک به یک‌سوم آن‌ها حاوی واژه‌ها، اصطلاحات، و مفاهیم مربوط به دو پیشه دام‌داری و کشاورزی است. در این ضرب‌المثل‌ها اسامی حیوانات محلی، که مرتبط با پیشه دام‌داری‌اند، مانند گاو، گوسفند، بز، میش، اسب، الاغ، و مرغ یا فراورده‌های محلی، مانند کره، شیر، دوغ، و پنیر، به‌وفور دیده می‌شود. هم‌چنین، کاربرد اصطلاحات مربوط به کشاورزی، مانند گندم، جو، دروکردن، آسیاب، خرمن، و ثمردادن، بسامد بالایی دارد. شماری از این ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان شاهدهی بر این مدعا ذکر می‌شود:

واژگان مربوط به دام‌داری در ضرب‌المثل‌ها:

مَشک را تا تکان ندهی گره نمی‌دهد (ص ۲۵)؛ خدا حق بُز بی‌شاخ را به بز شاخ‌دار وانمی‌گذارد (ص ۳۷)؛ دزد و صاحب‌خانه که یکی شوند گاو را از سوراخ سقف بالا می‌کشند (ص ۵۴)؛ هر که شد خر، ما هم می‌شویم پالانش (ص ۲۷۹)؛ با شیر داغ دهن‌ت سوخته، حالا به دوغ هم پُف می‌کنی؟ (ص ۳۳۲)؛ اول به بزغاله‌هایت نگاه کن، بعد لقمه بزرگ از کاسه ماست بردار (ص ۴۲۵)؛ به زرهی که روی خر است دل نبند (ص ۶۵۷)؛ فقط تو خوشی و سگ‌های چمچمال (ص ۷۷۵)؛ این دوغ هم از آن دوغ‌دان است (ص ۹۹۰)؛ گوسفند به پای خودش، بز به پای خودش (ص ۱۱۱۸). هرکس

مَشک خودش را می‌زند (ص ۱۲۰۳)؛ تو که این قدر در کوهستان شیرین چریده‌ای، پس کو دنبه‌ات؟ (ص ۱۲۸۲).

واژگان مربوط به کشاورزی در ضرب‌المثل‌ها:

از زمین خشک که نمی‌شود چغندر کند (ص ۶۲)؛ جنگ سر شخم بهتر از آشتی سر تخمه (ص ۱۳۲)؛ این حرف‌ها گاه کهنه به باد دادن است (ص ۲۸۰)؛ برنج را هر قدر بکوبی سفیدتر می‌شود (ص ۳۱۶)؛ بیل پُر از گِل برای تماشاجی سبک است (ص ۳۲۳)؛ مگر گندم برشته می‌خوری یا بلوط در دهنت ترکیده؟ (ص ۳۳۳)؛ باغبان فصل انگور خودش را به‌گری می‌زند (ص ۳۸۵)؛ درخت اگر یک سال بر ندهد که آن را نمی‌برند (ص ۳۸۷)؛ مرغ گرسنه خرمن آب‌برده به خواب می‌بیند (ص ۱۰۵۶)؛ در هفت آسیاب یک دانه جو ندارم (ص ۱۱۴۳)؛ خانه قاضی گردو زیاد است، اما شماره دارد (ص ۱۱۴۱).

۳. ارتباط پایگاه اجتماعی نویسندگان و گرایش‌های فکری او با زبان رمان

خواننده در حین مطالعه یک متن می‌تواند از طریق ویژگی‌های سبکی و زبانی آن نوشته به مسائل برون‌زبانی مانند پایگاه اجتماعی نویسندگان و گرایش‌های فکری، اجتماعی، سیاسی، و حتی اقتصادی او پی ببرد. در پژوهش رمان، از دیدگاه زبانی و کشف مفاهیم فرازبان‌شناختی، زبان دیگر نظامی متشکل از ساختارهای صرفی و نحوی نیست. «رمان، به‌عنوان یک نوع ادبی در حال رشد و متناسب با ویژگی‌های دوران معاصر، هم‌چون یک وجود زنده و یک فرایند اجتماعی و تاریخی، می‌تواند از افق ارزشی ایدئولوژیکی و اجتماعی نویسنده خود حکایت کند» (وبستر ۱۳۸۲: ۶۷).

سبک و گونه زبانی که نویسنده برای روایت رمان به کار می‌گیرد بازنمایی جهان‌نگری خاص او از جهان و مسائل پیرامون است. هر نویسنده با گزینش‌های زبانی، دیدگاه‌ها، تأکیدها، و داوریهایی که دارد قلمرو خاص اجتماعی و فکری خود را آشکار می‌کند. با تأمل در مفاهیم موجود در رمان *سال‌های ابری* و گزینش‌های واژگانی نویسنده، می‌توان پیوند و بستگی معناداری میان زبان و پایگاه اجتماعی نویسندگان و گرایش‌های فکری او دریافت. درویشیان در یک خانواده کارگری گرد در محله آبشوران شهر کرمانشاه، که یکی از محله‌های فقیرنشین و پایین‌شهری محسوب می‌شود، به دنیا آمد و در همان‌جا رشد و نمو یافت. به دلیل فقری که او و خانواده‌اش را احاطه کرده بود، در دوازده‌سالگی به کارگری

روی می‌آورد. دست‌وپنجه‌نرم‌کردن با فقر و محرومیت موجب شده است تا درویشیان در این رمان و دیگر آثار خود با تأکید و تمرکز فراوان به توصیف وضعیت قشرهای فرودست جامعه‌ای بپردازد که خود نیز جزئی از آنان است. یکی دیگر از دلایلی که موجب شده تا درویشیان در رمان سال‌های ابری پیوسته از توده‌های مردم در اجتماع سخن بگویند و زندگی، خلیقات، عادات، و افکار آنان را توصیف و ترسیم کند گرایش‌های توده‌ای و مارکسیستی اوست. فعالیت‌های او در حزب توده در دوران پهلوی و حتی پس از انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷ لایه‌های ذهنی او را از شعارهای مارکسیستی انباشته است. از این رو، واژگان مربوط به این گرایش فکری در زبان رمان، به‌خصوص در جلد چهارم، به‌وفور دیده می‌شود؛ واژه‌هایی مانند توده، طبقه، قیام، برخاستن، کارگر، و آگاهی.

نکته دیگری که درباره ارتباط زبان رمان سال‌های ابری و سطوح فکری و اجتماعی نویسنده آن وجود دارد اندیشه‌های ضداستعماری و ضدفرهنگ بیگانه در ذهن نویسنده است؛ بدین معنی که درویشیان، با توجه به عناصر فرهنگ بومی و ملی و واردکردن این‌گونه عناصر به قلمرو زبان رمان، به‌نوعی با تهاجم و نفوذ فرهنگ بیگانه به مرزهای فرهنگ ملی مبارزه می‌کند.

در ادبیات ضداستعماری، صاحبان فکر و اندیشه ادبی سعی می‌کنند که با اتخاذ شیوه‌های گفتمانی مبتنی بر فکر، فرهنگ، و تمدن بومی در آفرینش‌های ادبی علیه گفتمان موجود، که وابسته به استعمار بیگانگان است، به‌مقابله برخیزند و آن‌ها را حذف کنند (میرزایی و امیریان ۱۳۹۴: ۲۵۰).

کاربرد گسترده الفاظ و واژگان کردی و بومی، کلمات کهن و اصیل، ضرب‌المثل‌ها، کنایات، اشعار عامیانه (ص ۱۶۶، ۲۰۴، ۲۷۲، ۳۴۸، ۴۳۲، ۴۷۶، ۸۱۷، ۹۵۲، ۱۲۳۲، ۱۳۴۷، ۱۴۷۴)، واژه‌ها، اصطلاحات، و مفاهیم اساطیری (ص ۵۵۹-۵۶۰)، و ... حرکتی در مسیر احیای عناصر فرهنگ بومی و واکنشی ضداستعماری تلقی می‌شود. نگارندگان در این‌جا به برخی واژه‌های کردی و بومی به‌کاررفته در رمان اشاره می‌کنند و برای پرهیز از اطاله کلام در موارد دیگر خواننده را به متن رمان رهنمون می‌شوند:

«فیکنه» (ص ۲۳): نوعی سوت گلی؛ «هوره» (ص ۳۸): آوازی از سر شادی؛ «گنه‌سو» (ص ۴۰): کنده درخت که سوخته است؛ «بایه‌غش» (ص ۴۱): جغد؛ «خالو»: دایی (ص ۴۳)؛ «حصار» (ص ۴۳): حیاط خانه؛ «ملوچ» (ص ۴۵): گنجشک؛ «تقل‌زدن» (ص ۴۷): دوختن، بخیه‌زدن؛ «چپه‌چپه» (ص ۵۴): دسته‌دسته؛ «گلاندن» (ص ۷۱): پیچاندن؛

«گُرج» (ص ۹۷): سریع و چابک؛ «هَربیدن» (ص ۱۱۱): آردکردن؛ «پُرسه» (ص ۱۱۵): مجلس ختم و عزا؛ «تَلیشیدن» (ص ۱۲۳): لِه‌شدن؛ «پَیل» (ص ۱۸۷): دست؛ «بالابُرز» (ص ۲۰۶): بلندقد؛ «بَمچه» (ص ۲۱۵): با کف دست روی سر زدن؛ «پَراش‌پَراش» (ص ۲۳۱): تکه‌تکه‌شدن؛ «کِزه‌کُن» (ص ۳۸۲): اندوه‌ناک؛ «چول» (ص ۶۶۲): خلوت و خالی از سَکَنه؛ «گَنه‌گوتال» (ص ۷۲۱): هرچیز به‌دردنخور و بی‌ارزش؛ «قَرتیدن» (ص ۱۲۶۹): بریده‌شدن؛ «پَله‌خورکردن» (ص ۱۲۷۳): جویدن، دندان‌گرفتن؛ «تَرچَک» (ص ۱۲۷۷): تازهِ و نازک؛ «بومه خِرت»: قربانت شوم (۱۲۹۵).

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه جنبه‌های مختلف زبان در رمان *سال‌های ابری* نشان می‌دهد نویسنده در کوشش خود برای تطبیق زبان داستان با شخصیت‌ها و طبقه اجتماعی آن‌ها موفق عمل کرده است و بین موقعیت اجتماعی افراد در رمان و تأثیر آن در رفتارهای زبانی هم‌سویی درک‌پذیری وجود دارد؛ عواملی چون جنسیت، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، سن، شغل، مذهب، و ... موجب ایجاد تنوع زبانی در رمان *سال‌های ابری* شده است. ملاک‌های یادشده در گروه‌بندی‌های اجتماعی نقش دارند و برای توضیح و تحلیل گوناگونی‌های زبان در اجتماع باید به آن‌ها توجه کرد. از منظر جنسیت، تفاوت‌های زبانی مردان و زنان دلایل برون‌زبانی فراوانی دارد که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها نقش‌ها و جایگاه اجتماعی متفاوتی است که این دو گروه در هر جامعه برعهده دارند. به‌نظر می‌رسد هرچه تفاوت نقش‌های اجتماعی این دو گروه در جامعه بیش‌تر باشد، تفاوت الگوهای رفتاری آن‌ها و ازجمله رفتار زبانی آن‌ها بیش‌تر است. میزان تحصیلات و حتی نوع تحصیلات یا رشته تخصصی گویندگان یک زبان را نیز می‌توان از عواملی دانست که در به‌وجودآمدن تنوعات و گوناگونی‌های زبانی در سطح یک جامعه نقش پُرننگی دارد. مطالعه زبان قشرهای تحصیل‌کرده و افراد متعلق به طبقات بالای جامعه نشان می‌دهد این طیف تمایل فراوانی به استفاده از اصطلاحات و زبان رسمی دارند و بین زبان آنان و زبان معیار نزدیکی و پیوند درک‌پذیری وجود دارد. در زبان افراد باسواد تلفظ اشتباه واژه‌ها و به‌هم‌ریختگی ساختار نحوی کلام دیده نمی‌شود و این گروه از افراد تمایل چندانی به استفاده از واژگان و اصطلاحات عامیانه مانند ضرب‌المثل‌ها ندارند. سن نیز ملاک دیگری است که در شکل‌گیری زبان‌گونه‌ها در گروه‌های مختلف سنی نقش پُرننگی ایفا می‌کند. در گروه‌های

سنی جوان، اصطلاحات و کلماتی به کار می‌رود که در گروه‌های سنی بالاتر یا کاربرد ندارد یا به ندرت دیده می‌شود. در کنار عوامل مختلف شکل‌گیری زبان‌گونه‌ها در جامعه، شغل و حرفه افراد نیز بسیار تأثیرگذار است. در زبان رمان سال‌های ابری/ مفاہیم، واژگان، و اصطلاحات مربوط به دو شغل دام‌داری و کشاورزی نفوذ و تأثیر خود را در ضرب‌المثل‌ها، که بارزترین و برجسته‌ترین نمود زبان عامه تلقی می‌شوند، نشان داده است.

کتاب‌نامه

- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.
- ارباب، سپیده (۱۳۹۱)، «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، س ۲، ش ۴.
- اکبری‌زاده، فاطمه و دیگران (۱۳۹۴)، «جلوه‌های چندزبانی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، دومه‌نامه جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۲، پیاپی ۲۳.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی زبان»، در: *مجموعه مقالات زبان و جامعه‌شناسی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهمنی مطلق، یدالله و بهزاد مروی (۱۳۹۳)، «رابطه زبان و جنسیت در رمان شب‌های تهران»، *دوفصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، س ۲۲، ش ۷۶.
- بهمنی مطلق، یدالله و نرگس باقری (۱۳۹۱)، «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد»، *فصل‌نامه زن و فرهنگ*، س ۳، ش ۱۱.
- بیچرانلو، مجید، منصور شعبانی، و بهزاد برکت (۱۳۹۶)، «بازنمایی زن در سریال شهرزاد از منظر زبان‌شناسی اجتماعی»، *فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۹، ش ۴.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)، *زبان‌شناسی اجتماعی: درآمدهای بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- تفرجی یگانه، مریم (۱۳۹۵)، «تحلیل به‌کارگیری دشواژه در فیلم‌های سینمای ایران از منظر جامعه‌شناسی زبان و رابطه آن با جنسیت بازیگران»، *نشریه مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، س ۱۷، ش ۳۵.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰)، *زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی، تفاوت‌های زبانی میان گویش‌وران مرد و زن*، به‌راه‌نمایی علی افخمی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

- حسینی رنجبر، احمد و ملاححت نجفی عرب (۱۳۹۲)، «زبان و جنسیت در رمان شوهر آهوخانم»، *مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)*، دوره ۸، ش ۳۰.
- درویشیان، علی اشرف (۱۳۷۹)، *سال‌های ابری*، ج ۴ (در دو مجلد)، تهران: چشمه.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۶)، «تعامل نحو و زبان‌شناسی اجتماعی: تحلیلی جامعه‌شناختی بر کاربرد چند ساخت نحوی فارسی براساس نظریه تنوعات زبانی لباو»، *فصل‌نامه زبان‌پژوهی*، س ۹، ش ۲۲.
- رهبر، بهزاد، بهروز محمودی بختیاری، و گیتی کریم خانلویی (۱۳۹۱)، «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناسی زبان»، *فصل‌نامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، ش ۴.
- لوئیس، لسلی (۱۳۷۱)، «عناصر داستانی (نقش صحنه، لحن، و زبان در داستان)»، *مجله مطالعات داستانی*، ش ۲.
- محمودی بختیاری، بهروز، علی افخمی، و فرزانه تاج‌آبادی (۱۳۹۵)، «بازتاب اندیشه‌های مردسالارانه در زبان فارسی: پژوهشی در جامعه‌شناسی زبان»، *نشریه زن، فرهنگ، و هنر*، دوره ۲، ش ۴.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرزایی، فرامرز و طیبه امیریان (۱۳۹۴)، «رمان پسااستعماری الجزایر و ویژگی‌های محتوایی و زبانی آن»، *پژوهش‌نامه نقد ادبی*، دوره ۵، ش ۲.
- نوشین‌فر، ویدا (۱۳۷۴)، *زبان، جنسیت، و اجتماع*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به‌راه‌نمایی مهدی مشکوة‌الدینی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- وارداف، رونالد (۱۳۹۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، ترجمه رضا امینی، تهران: بوی کاغذ.
- وبستر، راجر (۱۳۸۲)، *پیش‌درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی*، ترجمه الهه دهنوی، تهران: روزگار.
- هدایت، ندا (۱۳۸۴)، «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان)»، *دوفصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره جدید، ش ۴.

Ahmadi, B. (2001), *Text Structure and Interpretation*, Tehran: Center.

Akbarzadeh, F. et al. (2015), "Multilingual Effects in the Novel I Turn off the Lights", *Journal of Linguistic Research*, vol. 6, no. 2, Consecutive 23.

Arbab, S. (2012), "Study and Classification of Common Persian Dialects in Common Usage", *Journal of Comparative Linguistics Research*, vol. 2, no. 4.

Bahmani Motlagh, Y. and B. Marvi (2014), "The Relationship Between Language and Gender in the Novel of Tehran Nights", *Journal of Persian Language and Literature*, vol. 22, no. 76.

- Bahmani Motlagh, Y. and N. Bagheri (2012), "Comparison of Women's Language in the Works of Simin Daneshvar and Jalal Al-Ahmad", *Quarterly Journal of Women and Culture*, vol. 3, no. 11.
- Batani, M. (2002), "Sociology of Language", in: *Collection of Articles on Language and Sociology*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Bichranloo, M., M. Shabani, and B. Barakat (2017), "Representation of Women in Shahrzad Series from the Perspective of Social Linguistics", *Women in Culture and Art Quarterly*, vol. 9, no. 4.
- Darvishian, A. (2000) *Cloudy Years*, 4 vol. (in two volumes), Tehran: Cheshmeh.
- Hassaniranjbar, A. and M. Najafi Arab (2013), "Language and Gender in the Novel of *Ahokhanam Husband*", *Literary Criticism Studies (Literary Research)*, vol. 8, no. 30.
- Hedayat, N. (2005), "The Effect of Gender on the Expression of Demand (Research in the Field of Sociology of Language)", *Bi-Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research*, New Volume, no. 4.
- Jannejad, M. (2001), *Language and Gender: Social Linguistic Research, Linguistic Differences Between Male and Female Speakers*, Under the Guidance of Dr. Ali Afkhami, M.Sc. in General Linguistics, University of Tehran.
- Lewis, L. (1992), "Fictional Elements (Role of Scene, Tone, and Language in Fiction)", *Journal of Fiction Studies*, vol. 2.
- Mahmoudi Bakhtiari, B., A. Afkhami, and F. Tajabadi (2016), "Reflection of Patriarchal Ideas in Persian Language: a Study in the Sociology of Language", *Journal of Women, Culture, and Art*, vol. 2, no. 4.
- Mirzaei, F. and A. Tayebbeh (2015), "Algerian Postcolonial Novel and its Content and Linguistic Features", *Journal of Literary Criticism*, vol. 5, no. 2.
- Modarresi, Y. (1989), *An Introduction to the Sociology of Language*, vol. I, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Nooshinfar, V. (1995), *Language, Gender, and Community*, Master Thesis in General Linguistics, Under the Guidance of Dr. Mehdi Meshkooch-al-Dini, Ferdowsi University of Mashhad.
- Rahbar, B., B. Mahmoudi Bakhtiari, and G. Karim Khanlo (2012), "Gender Relationship and Speech Interruption: A Study of the Sociology of Language", *Quarterly Journal of Comparative Language and Literature Research*, vol. 3, no. 4.
- Rezapour, E. (2017), "Syntax Interaction and Social Linguistics: A Sociological Analysis of the Application of Persian Syntactic Constructions Based on the Theory of Linguistic Diversity", *Linguistics Quarterly*, 9 Year, no. 22.
- Tafraji Yeganeh, M. (2016), "Analysis of the Use of Insults in Iranian Cinema Films from the Perspective of the Sociology of Language and its Relationship with the Gender of Actors", *Journal of Culture and Communication Studies*, vol. 17, no. 35.
- Taradil, P. (1997), *Social Linguistics: An Introduction to Language and Society*, Mohammad Tabatabai (trans.), vol. I, Tehran: Agah.

- Wardaf, R. (2014), "An Introduction to the Sociology of Language", Reza Amini (trans.), Tehran: The Smell of Paper.
- Webster, R. (2003), *An Introduction to the Study of Literary Theory*, Elahe Dehnavi (trans.), Tehran: Roozgar.